

زلفا و دستان کزلی !

قبل از هر چیز اعازمه می عرضم هفتاد و هشتاد سال گذشت که این کنگره را از جانب سازمان خود
 به جهت نشاط کنگره این اجلاس میماند تبریک بگویم . سازمان ما بزرگنمایی این کنگره را که در ارتباط
 با همین نشاط تاریخی بزرگنمایی شود لاجرم گذارد و خوشنود است که در این تبادل نظر و طالع من شرکت
 شدت می کند . ضرورت این کنگره را آنجا باید می شود که مسائل جهان امروزه فرق العاده متوجه ، بر می ریزد
 و بجزغ شده است و بین واقعیت های جدید مستلزم برخوردی عمیق باشد ، و وسیع است . هر آینه به
 راتنه از درینجیک عظیم تبریک آنگاه سبأ تمام واقعیت ها را در ایام دید . بیاد که اندیشه ها و تجارب
 می تواند اتفاق دید ما را گسترش دهد و به کف حقایق تازه تر گشت کند .

امروز هشتم دسامبر سال ۱۹۸۷ ، این کنگره علمی - انجمن استوری علوم مارکسیسم - لنینیسم
 جنب کمیته مرکزی ج.ک.د.ش. آغاز به کار می کند . اما تا آنکه خالی تا و خود این کنگره به صورت به وضوح
 تحت تاثیر و در ارتباط تاریخی عظیمی است که در دست در همین روز یعنی هشتم دسامبر تحقق می یابد . امروز در سبب کمیته
 مرکزی حزب کمونیست اتحاد شوروی بنیادین کار به عین با در داد انجمن در این جمهوری ایالات متحده آمریکا
 قرارداد تاریخی بسیار مهم انجمن در روزهای گذشته از شرح های هسته ای را به اعضا می رساند . اعضای این قرارداد
 نشانه آنست که تفکر نوین سوسیالیستی میز می گیرد و به باوری نشیند . تفکر که در این تاریخ آینه لنین (بیان
 غیر سوسیالیست آینه دارد .

زلفا! جهان حاضر با وجود همه تنوع و پیچیدگی های آن ، بر سه جهان گرانس اساسی استوار
 می یابد که البر کزلی آنجا بر آن بود . بر سه پایه هرگونه بر ضرورت شیوه بار و در هر یک از این سه پایه استوار است
 به انقلاب آترو تجارب شرکت آن است .

اگر نخستین گشت راد در بنجیرا بهم بر دست نظام سرمایه داری وارد آورد و نظام زینتی را پی بر گشت
 که در آن نه سرمایه ، بلکه کار و انسان کار بر سر قدرت گشت . انقلاب آترو در آن زینتی را در بر گشت
 جهان سوسیالیستی گشت - در آن گذارد از سرمایه داری به سوسیالیسم دیکر میس ، در آن سابقه تاریخی
 (رو نظام اجتماعی - اقتصادی ، دوران انقلاب سوسیالیستی و ... - رهایی بخش .

لنقلاب آترو ارضان آورد نوع جدیدی از مناسبات بین المللی گردید که شالوده آن را
 اصل خریستی سالت آترو شورهای رادای نظام های تضاد اجتماعی تشوین می داد . کشور شوراهای
 بلافاصله بعد از انقلاب لژ سبک جهانی امپریالیستی گشت و سیاست صلح راد پیش گشت . اولین سند
 حکومت شوراهای " فرمان صلح " بود .

اکثر و سیاست صلح آفرین حکومت کارگران و دهقانان بیروزی در مبارزه
 حقوق‌های ستمدیده تأثیری آشکار بر جای گذاشت. آنچه که کشور ما در طایف شور، بیروزی اکثر
 نقشه استیصال انقلابی را برای تبریل ایران با استعماری تمام میبار خود نقش بر آب ساخت
 و مردم ایران را از قید قرارداد های استعماری رهایی بخشید. دولت جدید در یکی از فرمان های
 خود حق حاکمیت ایران را به رسمیت شناخت، قرارداد شوم تقسیم ایران بین انگلیس
 و روسیه تزاری را ملغی اعلام کرد و از کلیه امتیازات خود در ایران صرف نظر نمود. لیکن در
 اولین خطابه به تمام رفقان سدان روسیه و شرق نوشت:

« ما اعلام می داریم که قرارداد تقسیم ایران لزیم دیده و نابود شده است. ... از جانب
 روسیه و دولت شوروی می آید در انتظار شما نیست، بلکه از جانب درندگان امپریالیست
 یعنی از جانب آنهایی است که میمان شما را به استعماری توهمین شده و تاریخ رفته اعزیزش تبریل
 سفته اند. »

برخورد دولت ایران روسیه در رابطه با همین ماست نه بر حبه ای از سیاست
 صلح آفرین این دولت و اقوام محقق نسبت به حقوق خلق ها و حاکمیت ملی آنها بود.
 سیاست غیرتوسلست آنیز که در ابتدا متوجه مابین شرایط ضروری برای استقلال نظام نوین بود
 اگر در عصر هسته ای به شرط بقای تمدن بشری تبریل شده است.

حفظ تمدن بشری به خواست بهم و عاقل عصر هسته ای تبریل شده است. این امر
 تنها به وسیله ایسم دنیوی های شرقی و شوروی اختصاص ندارد، بلکه به همه کشورهای خلق ها و حتی به
 گروه ها و طبقات اجتماعی که تصاویری غیچی آنها را لازم می آید نیز برمی گردد. این امر سنگ پایه
 فکر نوین را تشکیل می دهد. هیچ تفکری غیر از تفکر نوین قادر به حفظ سمیت در گناه زمین نیست.
 در ایام اخیر نمایندگان اقرب و خویش ها در سکو، یکی از سخنرانان شال گشتی نوح " راوش گید و
 رفیق بیخبل کاراجوف در همین رابطه تمسلسل بر زیر را به کار گرفت. او گفت:

« ... در یک قایق مستمالم و با به طوری رفتار کنیم که این قایق در لولن شود »

این ایده که سرت راز کلاکت طرف است به منزله پایه درک صلح حال و آینده
 جهان متفکران، اما تقابل بهم وابسته و در بیداری جهات یکدیگر چه تا به شماره می آید.
 در شرایط کنونی، دولت تاریخی طریقه کارگر گوی بعد اکثری نیز پیدا کرده است. طبقه کارگر
 گذشته در حالت رها سازی نسبت در رسم اجتماعی و ملی، نیروی محرکه اصلی در بکار به خاطر نجات بشریت و تمدن

بسی از صفت های نیز به شمار می رود . کونیه باید بفرماید رابطه اتصال این دو بعد رسالت
تاریخی طبعه کارتر را مورد مطالعه دقیق قرار دهان ، استنتاجات لازم را به عمل آورند .

برای کونیه شماره زندگی انسان و رشد و تکامل هم چنانچه او بالاترین ارزش صفت .
اولویت ارزش های عموم بشری و حفظ صلح ناشی از سببت بسود رسانه ما کسیم است .
و این عاقلان می رسد که منافع رشد و تکامل اجتماعی بالاتر از منافع فردگرایان است .

صلح پایدار شرایط مادی را برای پیوستگی جامعه بشری فراهم می سازد . صلح و وضع صلح منابع
عظیمی را آزاد می سازند و به برتری سوسیالیسم می رسد . حفظ صلح به سود طبعه ای است که آینه
لذات اوست . مبارزه در راه صلح در میان نیرو دو کسیم متضاد اجتماعی - اقتصادی جریان می یابد .
این مبارزه با راستای تکامل تاریخی پیوند دارد . لذات فرد مبارزه در راه صلح نه تنها هدف عموم - بشری ،
که دارای هدف اجتماعی - طبقاتی نیز هست .

واقعیت های سیاسی که در جهان ما آنکس یافته می یابد نشان می دهد که لذت پیروی اکثر
تا امروز سوسیالیسم نیروی پیشگامان راه تکامل تاریخی بوده است . اکنون سوال در آن است که آیا
امپریالیسم خواهد توانست خود را از تسلیم رها کند . آیا خواهد توانست رشد تکامل را نه ترجمه بگرد
سلاح های گت ، چمن و شمشیر و کشتن ، بلکه ترجمه فیرو سعادت مردم نماید .

به امتقار ما امپریالیسم با انتخابی صبی در بدست . بدون وقت از وضعیت موجود برای امپریالیسم
تنها از طریق خلاصی از تسلیم انکار بر است . واقعیت های جهان ماهر گوناگونی گروه بندی های حاکم
راست دستیار است که منافع فرد را در شریک اشباع ارضای این المانی می بیند به فردی معنی تبدیل کرده است
نظری آیه آن گروه بندی های که بنیاد آنرا بر این چهار اصل است شده آمریکا جنب جهانی صبی را اقتباس
پیرو می دانند تا چارند در شرایط کنونی مواضع فرد را از دست بدهند . در این رابطه دیدارهای که امروز در دانش کنج جاری است
مایه قدسین است .

مبارزه در راه صلح راهی مبار ضد امپریالیسم است ، چرا که منبج سابقه استیهای و خطر
ضرب حمله ای امپریالیسم است . جمیع های نظامی صفتی که در رأس گروه های امپریالیستی قرار دارند
نیروی تمرکز رهبری سابقه استی در تهدید هسته ای به شمار می آیند . شیره های توسل به زور که لذت
اهداف توسعه طلبانه بر می خیزد عظیمه امپریالیسم در سیاست بین المللی است . سیاست نظامی امری
امپریالیسم ترجمه تضعیف سوسیالیسم و استیبابی به تفوق بر آن است . امپریالیسم درین شرایط
می کشد از راه فردا به خلق های تمام جهان محمل کند .

مسئله صلح و صلح صلح با سایر کشورهای " جوان سوم " نیز گره خورده است .

ایرانیان با تسلیم به شیوه های مختلف توانسته است روابط قبلی اقتصادی خود را با بسیاری از کشورهای دیگر برقرار نگاه دارد و به تجارت آنرا ادامه دهد و امکانات انحصاری آنرا از راه مستقل رشد در این کشورها جلب نماید . این کشورها عملاً به نقطه فقر تبدیل شده اند .

شکاف میان این کشورها و کشورهای پیشرفته سرمایه داری هر چه عمیق تر می شود و آن هم

با چنین سرعتی که به درستی تا ۱۹۶۵ را نشان فرستاده است . ارائه این وضع می تواند به انفعالی نزدیک

بمیرسد . بدیهی های دوران کشورهای آسیا ، آفریقا و آمریکای لاتین به انحصارات ایرانیست . دولت های

پیشرفته سرمایه داری ، نمونه بارز این بهره کشی دگرگونی اشغال است . آنچه واضح است بین تقاضای

عظیم این بدیهی ها و ارقام کمی هزینه های نظامی پیروز نزدیک وجود دارد . نظامی گری به ویژه منابع

سستی در حفظ تناسبات نو استعماری با کشورهای در حال رشد دارد و تلاش می کند تا نسبت

تا سالانه و نامبرابر اقتصادی در صلح بین المللی را تکمیل کند . امروزه ساله " جوان سوم " نه تنها ساله

عمر آبروی تبدیل شده و با برقراری نظم در این اقتصاد بین المللی و نیز با صلح و صلح گره خورده است .

مردم چین ما ستم کشیدن ناشی از وابستگی اقتصادی و نظم نامرتبانه اقتصادی بین المللی

را لمس کرده اند . اقتصاد کشور ما با هزاران رشته به اقتصاد ایرانیست پیوسته خورده است . ایرانیست

از این طریق دسترخ زدن ما را به بیخ می برد .

ضربت های منطقه ای و جهانی از سیاست ایرانیست جلانی است که برای سرکوب جنبش های

ملی-رده ای پیش به کار گرفته می شود . این ضربت های تولید کننده برای صلح و امنیت بین المللی به حساب

می آید . خلق ما با رسیدن مصائب هفت ساله ضربت منطقه ای یعنی ضربت ایران عراق را به درون

می کشد . این ضربت به قیمت جان بیش از یک میلیون نفر از مردم لاگور و قیمت نابودی بیش از نیمی

از ثروت ها و اقتصاد کشورهای نام شده است . به بهانه این ضربت از چندین پیش ناامان جهانی است که

امریکا متحدان آن منطقه اسیلیت ماری را در سرانجام به اشغال خود درآورده و بر اقتصاد بحران منطقه پشت

افزوده اند .

تفصیلات گزافی ۱

کدام اهمیت آبروی که می خورای آن کامل کنم . نوسان در آبی استوری است . جانف کوردی

در راه دستیابی به وضعیت نسبتاً نروتن . جامعه بیابانده می کند . نوسان از اشکال همه شدن حیات جامعه

که در کشورها جاری است ارائه انقواب آبر و کت نینه افقی تازه و به حمایت گسترده برای

رشد و فعال نظامی است . دستیابی به سرمایه ایست . سرمایه ایست که بیابانده آبر و کت

است یا نوسازی در عمل در زندگی نمی دهد که چگونه رشد همه جانبه و فعالیت صلاح اینها
 هم هدف دم ابزار داعم بهترین این نظام است . دیگر آنرا رسیدن بهتر مردم است
 که آن با تمام توانایی های فعالانه تربیه ایران آید و در آفرینش سزودت و آسایش
 نمود و جامع همه هر چه مبتدی ببرد و برتری های بسیار را در ایجاب ارزش های مادی
 و معنوی تحقق سازد .

ما ضمن پشتیبانی از شیئی تنیده حکم ایسی . یعنی نوسازی معتقدیم که تحقق این شیئی
 به رشد و تکامل جنبش های جنبش در تمام این سالهاست کرده و برصیانت تحرک نوسازی را
 فراهم می آورد . نوسازی که خود ملهم از تفکر نوسازی است زیربنای مادی و معنوی مخطی برای تحقق ایده های
 این تفکر در عرصه بین المللی و برای ایجاب سیستم جامع صلح و امنیت بین المللی ایجاد می کند .
 سازمان ما تنها با خلق ایران از سالی صلب گرداننده اتحاد شوروی ، اکثر کشورهای اسلامی
 و غیره نیزه های صلح دوستی است که در وسعت است که تفکر نوسازی راه خود را خواهد گزید و
 به بار خواهد نشست .

بیان